



شهید سید احمد رحیمی سوم خرداد هزار و سیصد و هشتاد و هشت در شهر بیرجند متولد شد. دوران دبستان را در مدرسه حکیم نزاری و راهنمایی را در مدرسه شهید مطهری خواند. هم زمان به خواست پدرش در مشهد شروع به خواندن زبان انگلیسی کرد. سال آخر دبیرستان را می خواند و قرار بود طرح نظام جامع یعنی کلاس های درس مختلط اجرا شود. احمد به مسئله محرم و نامحرم بسیار مقید بود و با اجرای این طرح در دبیرستان آن قدر مخالفت کرد تا از مدرسه اخراج شد و شروع به درس خواندن در خانه کرد. پایبندی احمد به مبانی اسلام و دلسوزی اش نسبت به محرومین موجب شد تا فعالیت مذهبی سیاسی اش را از همان دوران دبیرستان آغاز نماید و اولین مبارزه علنی را در مسجد آیت الله آیتی بیرجند انجام داد و پس از پایان نماز مغرب و عشاء طی سخنرانی از وزیر وقت دربار اسدالله اعلم به شدت انتقاد کرد. این حرکت باعث شد که مأمورین ساواک او را دستگیر کنند اما با هوشیاری که داشت از زندان فرار کرد. درسش به قدری خوب بود که دیپلم ریاضی را با معدل نوزده گرفت و علی رغم میل خودش برای تحصیل در علوم دینی و به خواست پدرش در سال پنجاه و شش در آزمون سراسری در رشته پزشکی شرکت کرد و در دانشگاه تهران قبول شد و برای ادامه تحصیل ساکن تهران شد. این قبولی آغازی برای سازماندهی فعالیت هایش بود. سید احمد کتاب های دکتر شریعتی و شهید استاد مرتضی مطهری و نقد آثارشان را مطالعه می کرد و همچنین با آگاه شدن از فعالیت ها و تغییر ایدئولوژی و مارکسیست شدن اعضای سازمان مجاهدین ارتباطش را با دانشجویان مذهبی بیشتر کرد و یکی از اعضای اصلی انجمن اسلامی دانشکده شد. در یکی از جلسات درس که حجاب اسلامی از سوی استاد جامعه شناسی مورد انتقاد واقع شده بود او در میان بهت و حیرت دانشجویان با استواری از جا بلند شده و با شجاعت تمام از حجاب دفاع نمود و استاد را قانع کرد آن قدر خوب صحبت کرد که بچه های کلاس با کف زدن احمد را تشویق کردند و موقع خروج از کلاس او را بر دوش گرفتند. این دفاع جانانه و سایر سخنرانی هایش در محیط دانشگاه باعث شد که بسیاری از دختران دانشجو به حجاب رو بیاورند و حتی دختر یکی از سناتورهای شاه که در آن کلاس بود از سید احمد تقاضا کرد که منابعی درباره حجاب به او بدهد.

گاهی اعلامیه های امام را از تهران به بیرجند می برد و پخش می کرد. با شروع انقلاب دانشجویان دانشگاه ها نیز به خیابان ها ریختند. در یکی از روزها که دانشجویان مقابل تالار ابن سینا تجمع کرده بودند سید احمد بلند بلند شعار می داد. «شب تاریک ملت روز گردد، خمینی عاقبت پیروز گردد.» تا آن روز کسی به این صراحت از امام (ره) توی دانشگاه حرف نزده بود. در سیزده آبان پنجاه و هشت به همراه تعدادی از دانشجویان پیروی خط امام لانه جاسوسی امریکا را به تصرف درآوردند و با دختر خاله اش در یکی از مساجدی بیرجند ازدواج کرد که حاصل این وصلت دختری به نام آسیه شد. با تاسیس سپاه سیداحمد سپاهی شد و لباس سبز سپاه را برای خدمت به اسلام و انقلاب برتن کرد. با شروع جنگ در سال پنجاه و نه فعالیت های احمد بیشتر شد و در شهریورماه سال شصت به درخواست دادسرای انقلاب اسلامی بیرجند به این شهرستان برگشت و مسئولیت فرماندهی سپاه پاسداران بیرجند را پذیرفت. به دلیل کفایت و مدیریت خوب احمد چندین بار پیشنهاد استانداری خراسان به او داده شود ولی هر بار پیشنهاد را رد می کرد و می گفت: فعلاً سنگری از نظر من مهم است که به تثبیت نظام کمک کند که همین لباس سبز سپاه است و من با هیچ چیز آن را عوض نمی کنم.

سید احمد که در آرزوی شهادت بود در یکی از نوشته هایش به شهیدان نوشته بود «ای شهیدان سوگند به نفس های آخرتان و سوگند به آن لحظه جان دادنتان که بر صراط شما خواهیم ماند و یاد شما را و راه شما را تا ابد در گوشه دل زنده نگه خواهیم داشت و ان شاءالله شما را در جنت عالیه دیدار خواهم نمود». در زمستان سال شصت و یک همراه همسر و یگانه دخترش به خوزستان رفت تا بتواند تمام وقت در جبهه حضور پیدا کند و همیشه می گفت: خدایا از تو می خواهم که در جایی به شهادت برسم که هیچ کس مرا نشناسد و فریادم را جز تو کسی نشنود؛ تمامی اعضا و جوارحم در راه تو پاره پاره گردد و ترکش ها از هر سو مرا فرا گیرند.

به محض اسکان خانواده اش در دزفول چندین بار برای شناسایی به خاک عراق رفت. روی بدنش تمام مشخصاتش را حتی گروه خونی اش را می نوشت تا اگر دستگیر شد هیچ حرفی نزنند؛ می گفت: حکم امام این است که اگر عملیاتی لو برود و کسی چیزی بگوید در خون شهدای عملیات شریک است. همان اوایل در عملیات والفجر مقدماتی شرکت کرد و پایش به شدت مجروح شد؛ می خندید و می گفت: قسمتی از پایم تطهیر شده و امیدوارم که خداوند بزرگ همه جسمم تطهیر کند. در بیست و چهار فروردین سال شصت و دو در عملیات والفجر چندین تانک دشمن را منهدم کرد و در حال انتقال مجروحی مورد اصابت گلوله تانک قرار گرفت و به فیض شهادت نائل آمد. پیکرش طوری سوخته بود که قابل شناسایی نبود و همسرش از جای ترکش قبلی که به پایش خورده بود او را شناسایی کرد.

وصیتنامه

بسم الله الرحمن الرحيم . و من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه و منهم من ينتظرو

ما بدلوا تبديلا

حمد و سپاس خداوند متعال را که با تخصیص عنایات خاصه اش به ملت ایران، نعمت اسلام و جمهوری اسلامی را بر آنان ارزانی داشت و به آنان حیات مجدد بخشید تا بشکرانه این نعمت کمر همت به رهایی خویش از شر شیطان درون و رهنیدن مستضعفان عالم از شر شیاطین برون بریندند. خدای را شکر که با دست غیبی اش ملتی را که در لبه پرتگاه قرار گرفته بود و اگر رژیم پهلوی یکسال دیگر مهلت می یافت تمام آثار اسلامیت و انسانیت را محو می کرد بیدار کرد و قلبهای متفرق آنان را متحد ساخت و زنگارهای قلوب جوانان این کشور را زدود و به صبغه الله قلوب آنان را رنگامیزی کرد و از آنان انسانهایی سر تا پا عاشق به خدا و اولیاء خدا و تشنگان جوینده جام شهادت و لحظه وصل و عبادت ساخت. خدایا، چنین گمان دارم که اگر هزاران بار در راهت کشته شویم و زنده گردیم نتوانیم شکر اندکی از این نعمتها را به جا آوریم. خدایا، ما ضعیفیم و این ضعف و عجز ما را به کفران مگیر و به لطف و کرم خویش همچنان عنایات را متوجه این ملت ستمدیده و امت عاشق اهل بیت بنما و آنان را در پیچ و خم های گوناگون و حوادث سهمگین یاری فرما و بدست آنان زمینه ظهور حجت مهدی سلام الله علیه را فراهم آور. پروردگارا، تو را سپاسگزارم که توفیق شرکت در عملیات و حضور در جبهه های نبرد اسلام بر علیه کفر را به من عنایت فرمودی تا بدینوسیله ناخالصیها و تبعات معاصی را از قلبم بزدائی. بار پروردگارا، تو که با رحمت این نعمتها را از من دریغ نداشتی اگر صلاح می دانی به این تنها آرزوی مانده بر دلم یعنی شهادت فی سبیل الله نیز جامه عمل بپوشان. پروردگارا، در نامه عمل هیچ چیزی که فردای محشر در پیشگاه تو و حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) عرضه دارم و بدان رستگار شوم ندارم و لذا بخوبی آگاهم که این خواسته مرا نشاید، ولی اگر تو بخواهی رحمت تو، هم درهای بسته را می گشاید و هم ناشدنیها را شدنی و غیرممکن ها را ممکن می سازد. یختم برحمته من یشاء والله ذوالفضل العظیم . (آل عمران ۷۴) و اما یک سخن با همه آنان که مرا می شناسند و آن اینکه دنیا با همه بلندبهایش کوتاه و با همه زیبائی هایش زشت و کریه است، تقوی خدا را پیشه کنید و خانه دل را برای او خلوت کنید. وقتی دل از یاد خدا غافل شد آنگاه خانه شیطان می گردد و شما را تباه می کند از معصیت پرهیزید که خود حقیقت تقوی است و معصیت انسان را ذلیل و پست و بی مقدار و ناتوان می سازد. در صورت توفیق توبه آثار تکوینی گناه انسان را از طی کردن بسیاری از مراحل محروم می سازد. مطالعه دو کتاب ارزشمند گناهان کبیره و قلب سلیم را بطور مکرر به همه بخصوص به جوانان عزیز پیشنهاد می کنم امیدوارم از آن غفلت نورزند. سفارش می کنم شما را به تبعیت دقیق از امام امت، به مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی خمینی که براستی محبتی آشکار از سوی خداست بر همه جهانیان اگر تمسک به فرمایشات ایشان در جامعه رو به تحلیل نرود یقیناً این ملت شکست نخواهد خورد و همین جا عرض می کنم اگر هر گونه حقی نسبت به هر کس دارم به هر اندازه که باشد به شرط آنکه از مسیر ولایت فقیه به معنی واقعی خارج نگردد تمامی آن را بخشیدم و کاملاً راضی هستم. شما عزیزان را دعوت می کنم به وحدت خدای متعال آنان را که با سوءظن، بدبینی، تهمت، افتراء، مارک چسباندن، گروه گرایی، تظاهر به اسلام و انقلاب، جوسازی، شایعه پراکنی و... تخم نفاق را می پاشند و دلهای خدمتگزاران به اسلام را بدر می آورند و بجای سازندگی کاری جز حذف این و آن ندارند هدایت فرماید و به آنان بفهماند

که هنوز در چه گروه هایی گیرند. خداوند به آنان انصاف دهد تا در قضاوتها چشمها را نبندند و دل را بگشایند برای عقده گشایی. لعنت خدا بر هر کس که خود محوری کند، بر هر کس که بخواهد از این انقلاب و خون شهیدانش نردبانی برای رسیدن به پست و مقام و ... بسازد. نکته مهم آنکه بین دو راه فداکردن اصالت برای وحدت و یا فداکردن وحدت برای حفظ اصالت راه دیگری است و آن حفظ اصالت در وحدت. تذکر دیگر آنکه امسال باید سال رهانیدن محرومین ایران از چنگال فقر باشد، آنان که درد محرومین را ندانند و در کلام و نوشتار و مجالس شان چیزی که یافت نمی شود سخن محرومیت هاست نباید در مسئولیتهای مهم این کشور باشند امیدوارم گامهای موثری دولت عزیز و مجلس شورای اسلامی در این راه بردارند. و اما در رابطه با بیرجند بعنوان یک فرد، از نماینده محترم امام در خراسان حجه الاسلام طبسی حفظه الله درخواست می کنم که با قراردادن یک محور جامع برای روحانیت شهر به مشکلات این شهر برای همیشه خاتمه دهند. مسئله نماز جمعه از مهمترین مسائلی است که می تواند با حل شدنش محور استواری برای وحدت مردم این شهر گردد و همه مردم این شهر را دعوت می کنم به شرکت فعالانه تر در حل مسئله جنگ که امیدوارم به زودی به نفع اسلام و مسلمین پایان پذیرد. مادر، همسر، خواهران، برادران و دوستانم را بخدا می سپارم و از همه آنان و جمیع کسانی که مرا می شناسند طلب عفو و بخشش می کنم همسرم جهاد من در این است که با کفار بجنگم، جهاد تو در این است که وقتی برای تو خبر آوردند صبر کنی، استقامت داشته باشی و فرزندم را زینب وار تربیت کنی. وصایای خصوصی را در نامه خصوصی به همسرم نوشته ام و سفارشات نیز شفاهی نموده ام امیدوارم بدان عمل گردد.

پروردگارا: تو را به تن پاره پاره حسین بن علی (علیه السلام) قسم می دهم امام امت را تا ظهور حضرت مهدی (عج) برای محرومین عالم نگهدار. دشمنان داخلی و خارجی انقلاب اسلامی را نابود بفرما. علمای عاملین و حافظین اسلام، طول عمر عنایت بفرما. بر وحدت امت اسلامی بیافزا. در فرج حضرت ولی عصر تعجیل فرما. والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

سیداحمد رحیمی

خاطره ای از همسر سید احمد

مراسم ازدواجمان در مسجد صاحب الزمان (عج) بیرجند برگزار شد. محفلی صمیمی و بی تکلف. همان سادگی که احمد طالبش بود. وقتی در کنارم نشست تا خطبه عقدجاری شود، کت دامادی نداشت. علت را جویا شدم آهسته گفت: توضیحش مفصل است باشد برای بعد. چند روز پس از مراسم گفت آن شب یکی از برادران پاسدار به دیدنم آمد. سر صحبت که باز شد متوجه شدم او هم قرار است همزمان با من جشن ازدواج بگیرد اما لباس دامادی ندارد. ترجیح دادم کتم را به او هدیه کنم. او ابتدا قبول نمی کرد ولی با اصرارم پذیرفت.

خاطرات دوستان سید احمد

ماه رمضان، قبل از انقلاب در مراسم احیا، سیداحمد تعداد زیادی اعلامیه و عکس حضرت امام را روی پنکه سقفی جاسازی کرده بود. بر اثر ازدحام جمعیت، هوای داخل مسجد گرم شد. با به کار افتادن پنکه ها اعلامیه ها در فضای مسجد به پرواز در آمدند. رییس شهربانی که کنار ستونی نشسته بود سراسیمه به طرف در رفت تا

اقدامی بکند. اما یکی از دوستان قبل از اجرای نقشه، کفش های رئیس شهربانی را پوشید تا کمی معطل شود. او هم دستپاچه با دمپایی های لنگه به لنگه از صحنه خارج شد و کاری از دستش بر نیامد. این کار برای شهری دور از مرکز مثل بیرجند اقدام کوچکی نبود. چون تعداد زیادی از مردم برای اولین بار تصویر امام را می دیدند. (آقای سلطانی)

بخش هایی از یادداشت ها و سخنرانی های سید احمد

۷ چگونه خطوط انحرافی انقلاب را بشناسیم؟

اگر بخواهیم خطوط انحرافی انقلاب را بشناسیم اول باید از خود در انقلاب مایه بگذاریم، باید انقلاب برای ما بها داشته باشد، باید انقلاب برای ما مسئله اصلی باشد، باید انقلاب محور زندگی باشد نه یک چیز حاشیه ای.

۷ هر روز به نبرد نهایی مستضعفین و مستکبرین نزدیکتر می شویم

آری اگر انقلاب اسلامی تعطیلی بردار و وقفه پذیر بود، می توانست برای ما بهانه ای شود تا با توجیحات گوناگون، خود را از سنگر نگهداری از آن به کناری کشیده و سر خویش به سلامت بگیریم، اما واقعیت این است که انقلاب تا حضور حضرت مهدی (عج) ادامه دارد و هر روز به نبرد نهایی مستضعفین و مستکبرین نزدیکتر می شویم.. می دانیم لیبرالیسم بر راسیونالیسم (اصالت عقل) متکی است و «لیبرال» برای پیدا کردن راه حل مسائل متکی به «عقل» است و نه «عقل و وحی» آنچه که امروز در برخوردهای اجتماعی مشاهده می شود این است که افراد با تکیه بر فهم خویش و آنچه که بدان شخصاً رسیده اند و تشخیص می دهند اقدام می کنند و این خود نوعی برخورد لیبرالتیک است و به عنوان بزرگ ترین آفت جامعه فعلی مطرح است.

۷ هیچکس برای اسلام حیف نیست

به سوی وحدت حرکت کنیم، به سوی منسجم کردن مردم حرکت کنیم، در سایه تفرقه اسلام به نابودی کشیده خواهد شد. دشمن برای اختلاف راه های گوناگونی در پیش گرفته است.. به گفته امام در تاریخ دو خط بیشتر نمانده، یکی خط انبیاء و یکی هم خط رفاه طلبان؛ یعنی حتی کج فهمی، حتی اینکه من به خیلی از حقایق اسلامی نرسیدم، یعنی ۸۰ سال درس خواندم مجتهد شدم، فقیه شدم، رساله دادم و بعد می شوم شریعتمداری؛ خیلی راحت می آیم پای جریانی را امضا می کنم که نتیجه آن جریان به شهادت رساندن حجت خداست؛ خود این آقا مصداق عینی رفاه طلبان است.. هیچکس برای اسلام حیف نیست، ما همه باید فدای اسلام شویم.. از هر گونه جوسازی، از هر گونه اختلاف برای رسیدن به اهداف، از هر گونه درگیری های بی ثمر، از هر گونه مسائلی که پای درگیری های شخصی، گروهی، دسته ای در میان باشد به شدت باید پرهیز کنیم و آنجایی که امر به معروف می کنیم و یا نهی از منکر می کنیم باید با قصد اصلاح امر مسلمین باشد.

۷ قرآن می گوید: علائق را انفاق کنید

بنگرید شهدا در مسیر زندگی شان که به شهادت انجامیده است، چه کسانی را جذب و چه کسانی را دفع کرده اند، شما هم آنها را جذب و یا دفع کنید. همانگونه که خطاب به سیدالشهداء و سالار شهیدان حضرت حسین بن علی (ع) در زیارت عاشورا می گوئیم: انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم. رسیدن به خیلی از

حقایق اسلام تلاش‌های همه‌جانبه می‌خواهد. این آیه که «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون» یعنی اینکه شما به خیر نمی‌رسید بروید دو رکعت نماز بخوانید تا به خدا برسید. یعنی تو پیغمبرشناس نمی‌شوی، تو امام‌شناس نمی‌شوی، تو ایمان به غیب نمی‌آوری، ایمان به ملائکه نمی‌آوری الا از هر آنچه که دوست داری، نه آن چیزهایی که داری، انفاق کنی. یک وقت هست که می‌گویند علایق را سرکوب کن، ولی قرآن نمی‌گوید سرکوب کن و از بین ببر، می‌گوید انفاق کن.

۷ عوامل نفاق را شناسایی کنید و گرنه نقشه‌های آمریکا در کشور پیاده می‌شود

بر امت اسلامی است که عوامل نفاق و اختلاف و شایعه‌پراکنی و تهمت زدن و مارک چسباندن و مایوس نمودن مردم و منزوی کردن نیروهای متعهد به انقلاب و... را شناسایی و تکلیف خود را با آنان یکسره کنند و گرنه نقشه‌های امریکا به دست آنان در این کشور پیاده خواهد شد.

۷ چقدر با شهیدان فاصله دارید؟

اگر دیدید میان شما و آنهایی که شهیدان با آنها پیوند داشته‌اند رابطه‌ای است، عاشقانه بدانید که شما در مسیر شهیدانید و اگر میان شما و آنهایی که شهیدان با آنها پیوند داشته‌اند فاصله‌ای است و یا دافعه‌ای است بدانید شما با شهیدان فاصله دارید. خدا را به شهادت می‌طلبیم که جز عشق به امام و اسلام و روحانیت متعهد و آرزوی فدا شدن در راه اسلام عزیز و آرمیدن در کنار شهیدان و آغشته شدن لباس سبز پاسداری به خون سر و دست چیز دیگر در دل نداریم. به جوانان مسلمان و پرشور و انقلابی وصیت می‌نمایم، هر چه بیشتر در بارور نمودن اندیشه خود و آشنایی بیشتر با اسلام ناجی یعنی اسلام فقهاتی، از طریق نزدیکی بیشتر با حوزه‌های علمیه بکوشند. افراد قشری‌نگر و ظاهرگرایی که امروز مدعی وراثت انقلاب‌اند و خود هیچگاه حاضر به فداکاری و ایثار برای انقلاب نیستند بعضاً از روی صداقت و بعضاً با آگاهی و زیرکی و آلت دست قرار دادن دسته دیگر با ایجاد جو شانتاژ و شایعه و تهمت و... در پوشش دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی کمر همت به منفجر نمودن انقلاب اسلامی از داخل بسته‌اند. آنان همیشه به دنبال یک ضعف می‌گردند تا آن را بزرگ کنند و بر فرق مدافعان انقلاب اسلامی بکوبند و ظاهراً به جز این، کار دیگری ندارند. کسانی که به این دلیل مؤید انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی هستند که انقلاب اسلامی را برآورنده و به وجود آورنده الگویی می‌بینند که توسط یافته‌های ذهن خودشان به آن الگو رسیده بودند، اینها دشمنان بالقوه جمهوری اسلامی هستند که در آینده‌هایی نه چندان دور علیه اساس اسلام به مبارزه بخواهند خواست و انشاءالله ما اگر بودیم و اگر ما نبودیم شما شمشیرهایتان را از خونشان سیراب خواهید کرد. باید انقلاب اسلامی مسأله اصلی و همه زندگی ما شود. آن کس که انقلاب در حاشیه زندگی‌اش قرار دارد نمی‌تواند در صف مدافعان راستین انقلاب اسلامی قرار گیرد. خط فکری ما عبارت است از: اعتقاد به ولایت فقیه و تسلیم محض بودن در مقابل ولی فقیه، اعتقاد به اینکه پرچمدار انقلابی اسلامی روحانیت مبارز شیعه می‌باشند و ضربه و صدمه به روحانیت ضربه و صدمه به اسلام است. برادران عزیز! تأکید می‌کنم که اگر می‌خواهید در کشیدن بار انقلاب اسلامی شریک باشید، به هر نسبت که با برنامه‌ریزی در زندگی‌تان جلو رفتید و به هر نسبت که خودسازی کردید و به هر نسبت که به خصوص در دور کردن رذایل از

خودتان کار کردید به همین نسبت می‌توانید بار سنگین‌تری بردارید. حرف‌های آنان را که حاضر به سرمایه‌گذاری در راه اسلام و انقلاب نیستند و برخوردشان با انقلاب و مسائلش همیشه عافیت‌طلبانه و به گونه‌ای است که نه سیخ بسوزد و نه کباب و آنگاه که اسلام و انقلاب با مشکل روبه‌رو می‌شود به خانه‌ها پناه می‌برند و بعد از رفع مشکل؛ ادعای وراثت انقلاب را دارند و باید به دیوار زد و به آن هیچ توجهی نکرد. انقلاب ما هر روز دارد حق و باطلش به طوری پیچیده‌تر می‌شود که دیگر تشخیص آن ساده نیست و اینجا عاملی که می‌تواند ما را به حقیقت قضیه و به روح آن رساند تقوا است.

۷ رفاه‌طلبی از نگاه امام

خیلی‌ها فکر می‌کنند که رفاه‌طلبی در کلام امام یعنی مسئله مال و منال؛ ولی این نیست، رفاه‌طلبی یعنی داشتن ثروت‌های کلان و دل خوش بودن به آن. محرومین را فراموش نکنید. آن وقت که خوشی شما را فرا می‌گیرد آنها را به یاد آورید، فراموش نکنید که هنوز ممکن است در این جامعه زن‌هایی برای پر کردن شکم فرزندانشان تن به فحشا بدهند. این چنین موقعی روا نیست که خوش بود و آنان را فراموش کرد. من به امت اسلامی هشدار می‌دهم، ضربه وارده به اسلام عزیز از سوی آن دسته از مسلمانان عافیت طلب که اهل ایثار و فداکاری برای انقلاب نیستند، اما تظاهر به طرفداری از انقلاب می‌کنند، خدای نکرده اگر میدان برای آنان باز باشد در آینده نیز صدمه آنها بیشتر خواهد بود و آن بسیار بسیار سهمگین‌تر و هولناک‌تر از ضرباتی است که توسط کفار و منافقین و... بر پیکر اسلام و انقلاب اسلامی وارد آمده است.

۷ افرادی که نمی‌توانند ماهیت انقلاب را درک کنند، امید آمریکا هستند

امروز باید از قشری‌گری و ظاهرنگری پرهیز نمود، زیرا چنین به نظر می‌آید که استکبار جهانی در فکر آن است که در لباس مذهب و طرفداری از انقلاب و... ضربه خویش را بر انقلاب وارد آورد. نیروهای مسلمانی که سالیان سال نیروهای خود را در جهت انحرافی صرف کرده و به جای پرداختن به ریشه فساد به یک شاخه و یا برگ آن پرداخته‌اند و امروز مدعی وراثت انقلاب‌اند و به علت بافت فکری خویش نمی‌توانند انقلاب اسلامی و اهداف و ماهیت آن را آنگونه که هست درک نمایند، یکی از بهترین امیدهای امریکا جهت ایجاد اختلافات و درگیری‌های داخلی به شمار می‌آیند. ما در دعوتی که می‌کنیم، افراد را به خودمان دعوت نمی‌کنیم، نباید اینگونه برخورد کنیم که آنچه را ما می‌گوییم حق است و دیگر باطل و شما هم چشم و گوش بسته تسلیم ما باشید، خیر اینگونه نباید باشد... خودبینی و خودخواهی‌ها را درهم بشکنید و گامی به جلو بردارید. هرگونه تلاشی، ولو برای انجمن‌های اسلامی اگر قصد قربت در آن نبود، هر چند زحمت بکشید هدر است و جز وقت تلف کردن چیزی نخواهد بود. افرادی که نسبت به انقلاب، نسبت به خود اسلام، کج فهم‌اند، برای جمهوری اسلامی آفت هستند. خطر این افراد خیلی خیلی بیشتر از دشمنان جمهوری اسلامی است.

۷ دل‌نوشته

دنیا را با تو چه؟ و تو را با دنیا چه؟ دنیا به دنبال هم‌بازی می‌گردد، دنیا تو را برای خود می‌خواهد و آن دم که تو را مکید و از تو سیراب شد، به دنبال دیگری خواهد رفت!

مولا امام المنتظر سوی تو آیم
با یاد تو سر سوی دشت و کوه نهادم
مولا امام المنتظر اندر کجایی
شاید که بر مزار پاک شهدایی
مولا امام المنتظر یکدم نظر کن
دستم بدامانت - جانم به قربانت
یارب منم دلداده رخسار مهدی
یارب زدار این جهان مهدی رسیدن

من عاشقم، من عاشق کرب و بلایم
گیرم سراغت وز همه پرسش نمایم
در جبهه ای یا که کنون در کربلایی
هر جا که هستی پرکشم سوی تو آیم
قلب مرا با آن نگه زیر و زبر کن
به امید دیدار رخت سوی تو آیم
ترسم بمیرم قبل از دیدار مهدی
وقت شهادت بر سرم هست آرزویم